

نویسنده کتاب «مرگ برای پیروزی»:

بنیادگرایی اسلامی با تروریسم انتحاری ارتباط ندارد



رویه‌ها می‌توان آن را می‌تواند برای پیروزی در جنگ با تروریسم استفاده کند. این امر به معنای آنست که تروریسم انتحاری در هیچ‌یک از منافع خود را به خطر نیندازد اما امریکاییها را نیز در معرض حملات انتحاری قرار ندهد. در مورد خلیج فارس این بدین معناست که ما (امریکاییها) بتوانیم با استراتژی ای پیروزی کنیم که در عین ضمیم منافع نفتی ما موجب ترغیب و پرورش نسل تازه ای از تروریستهای انتحاری نشود.

در دهه های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، امریکا توانست منافع نفتی خود را بدون حضور حتی یک سرباز در عربستان حفظ کند و به جای استقرار نیرو، اتحادیه ای با عراق و عربستان سعودی تشکیل داد. این امر در حال حاضر نیز امکان پذیر است. در آن زمان امریکاییها تعداد زیادی از ناوهای هواپیمابر خود تکیه می کرد و در حال حاضر پیروزی دریایی امریکا کارایی بیشتری دارد و کمتر. امریکا هم چنین تعداد زیادی پایگاه نظامی در این منطقه مانند تاور موراد بحرانی توانست شمار زیادی از نیروهای نظامی خود را در منطقه مستقر کند.

این استراتژی در مورد صدام حسین در سال ۱۹۹۱ بسیار موفقیت آمیز بود و هنوز می تواند بهترین استراتژی در حفظ منافع نفتی امریکا بدون برانگیختن حملات انتحاری باشد.

اسامه بن لادن و دیگر رهبران شبکه القاعه از اتحاد صلیبپوش و مهیبونستنها صحبت می کنند آیا حق با ما در عراق حضور نداشتیم همین موضوع نمی توانست به تهایبی منبشه رشد تروریسم انتحاری را فراهم آورد؟ زیرا حتی اگر یک گروه مستقل فلسطینی تشکیل شود، این برای تدریهای مخالف اسرائیل راضی کننده نخواهد بود.

من نه تنها الگوی حملات تروریستی در کشورهای که این گونه حملات در آنها روی می دهد، مطالعه کرده ام بلکه کشورهای را نیز که این گونه حملات در آن روی نمی دهند مورد بررسی قرار داده ام. تمام کشورهای که تحت اشغال در آمده اند الزاماً موجب بروز تروریسم انتحاری نشده اند. تنها کشورهای که بین اشغالگران و مردم کشورهای اشغالی تفاوت مذهب وجود دارد از تروریسم انتحاری به عنوان یک راه مبارزه استفاده می شوند. این مورد می تواند در لبنان و عراق مشاهده کرد همین طور در سرزمین لیکرا زیر رهبران تروریستهای می توانست آن در صورت وسیله ای برای اهریمن جلوه دهد کشور اشغالگر استفاده کنند. اگر نیروهای امریکا در عربستان حضور نداشتند شاید استدلالی اسامه بن لادن از یک پشتوانه واقعی برخوردار بود اما واقعیت این است که دهها هزار نیروی امریکایی اکنون در شبه جزیره عربستان حضور دارند.

نی ایگر فر ضیانت شما در ست باشد و ما (امریکا) از عراق خارج بشویم، اسامه بن لادن با وجود جلویی از موج حملات تروریستی علیه امریکا در ست شده است و نسل تازه ای از تروریستهای انتحاری ضعیف تر گفته است؟

بسیاری از مردم از این بابت نگرانند که با آغاز موج این گونه حملات، دیگر نمی توان جلوی آن را گرفت اما تاریخ ۲۰ سال گذشته نشان می دهد که محض خارج شدن نیروهای اشغالگر از سرزمین مادری تروریستهای این حملات نیز متوقف می شود. اغلب هم به سرعت.

در لبنان از سال ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۶ تا ۴۱ مورد حمله انتحاری روی داد اما پس از عقب نشینتن نیروهای امریکایی، فرانسوی از این کشور و عقب نشینی نیروهای اسرائیلی به حدود هست کیلومتری منطقه منموئه، این حملات متوقف شد و پس از بیرون رفتن نیروهای اسرائیلی از بخش عظیمی از این کشور، تروریستهای انتحاری به تعقیب اسرائیل تا اویل تفرقتند.

بسیاری از تروریستهای انتحاری از گروه های غیر اسلامی بودند. آیا در بین آنها تروریستهای مسیحی نیز وجود داشت؟

نه از گروههای مسیحی تروریستی، اما در لبنان در دهه ۱۹۸۰ از مجموع تمام حملات تروریستی فقط هشت تروریست از گروه های بنیاد گرای اسلامی بودند. ۲۷ نفر تروریستهای سوسیالیست و کمونیست و سه نفر مسیحی بودند.

آیا ترش ازادی بخشش ایرانند نیز دارای تروریستهای انتحاری بود؟

نه این سازمان تروریست انتحاری نباشد، اما بعضی از اعضا به چنین کاری تمایل داشتند. مشکل، مینول بود به این کاری یعنی خودکشی بود، بلکه نبودن حملات تروریستی که در آن بتوانند سایرین را به قتل برسانند، بود.

در واقع، اتفاق دیده می شود که گروه های تروریست انتحاری از دوام نظامی و مردم مدعی، هر دو، را هدف حملات خود قرار می دهند. تروریستهای هدفهای خود را بیشتر بر این اساس انتخاب می کنند که بتوانند بیشتر نفقات را وارد بیاورند. هدف از حملات انتحاری، کشتن خود نیست، بلکه وارد آوردن بیشتر نفقات از تروریستهای مورد نظرشان است تا مردم، دولت ها را برای تغییر در سیاست خود تحت فشار قرار دهند.

پیامدهای انفجارهای لندن

امیر انصار ansaramir@yahoo.com

انفجارهای اخیر در متروی لندن موضوع کهنه مبارزه با تروریسم را دوباره احیا کرد.

پس از انفجارهای یازدهم سپتامبر در امریکا تمامی اقدامات و تدابیر ایمنی که در پی آن انجام گرفته و اینک در آستانه چهارمین سالگرد آن جهان را دیگر شاهد حادثه ای است که نوک پیکان اتهام آن به سوی مسلمانان نشانه رفته است.

صرف نظر از خسارات مالی و جانی ایگونه حوادث، صرفاً بررسی ماهیت و موضوع این انفجارها، راه روشن کننده نکتاتی است که در ذیل به مهم ترین آنها اشاره می شود.

نخستین نکته نهفته در این انفجارها، آن است که علی رغم محدودیت های موجود باید اذعان کرد که هنوز نیض تروریسم می زند و در حقیقت، اگر چه به سختی، ولیکن حیات این پدیده شوم به مدد نفس های که گاه عمیق آن ادامه دارد. این روند سبب شده است که امیدیاری جهانی نسبت به مبارزه با تروریسم با تردید جدی روبرو و شود، چرا که افکار عمومی شاهد است که با افزایش هزینه های این مبارزه، میزان پیشرفت در این خصوص هنوز قابل ملاحظه نیست.

به عبارت دیگر، انفجارهای اخیر لندن ثابت کرد که برای شکستادن ریشه های این پدیده، جهان راهی طولانی پیش رو دارد؛ راهی که به نظر می رسد انجام چهارم صرفاً راه چاره آن نخواهد بود.

نکته دوم: انگلیسی تیار بودن برخی از مظنونان دست داشتن در این انفجارها گویای آن است که نمی توان تروریسم را محدود به یک منطقه خاص کرد.

اگر چه گفته می شود در برخی از مناطق همچون خاورمیانه، زمینه های شکل گیری این پدیده قوی تر است، ولیکن غرب را نیز صرفاً به سبب دوری از این منطقه نمی توان منطقه پاک و بی خطری نامید و این یعنی آن که تروریست ها با توجه به ساختار و نوع شکل گیری سازمان خود می توانند از اتباع هر کشوری باشند.

نکته سوم: با صرف نظر کردن از تابعیت مظنونان این حادثه، آنچه مورد توجه رسانه های جهان قرار گرفته، احتمال مسلمان بودن این مظنونان است.

در حقیقت، تابعیت تا مدتی پیش تعیین کننده ای نبود. جدایی افراد از دینگری بود، اینک با تفسیری ناراست، جای خود را به مذهب داده و این دقیقاً همان اتفاقی است که پیش از این در جایجایی ماهیچهی چون نژاد و تابعیت و غرب با افتاد. بسیاری در نگرانی این مسأله، نشان هنده سوبولیت خلیجی علمای اسلام را در خصوص ارشاد جوانان و بازگویی آموزه های دینی به آنان، البته به زبان امروزی است.

اگر چه از این خصوص نباید از ضعف ساختارهای آموزشی غرب نیز غافل بود، ولی در مقابل اتهام بودن مسلمانی مسلمان شده است تا احتمال تغییر چنگ تگن های این جنگ بین مذاهب، چهره جدی تری به خود گیرد. افزایش خفونت اسلامی شده علیه مسلمانان که پس از حادثه یازدهم سپتامبر جنبه عملی به خود گرفت، از زمینه های احتمالی این جنگ به شمار می آید.

نکته چهارم: نمی توان برای تروریست ها هدفی همگنی، مشخص و واحد نام برد. این مقصد همواره ممکن است در حال جایجایی باشد. نیویورک، لندن، پاریس و یا حتی سیدنی می توانند اهداف مسلمانان مورد نظرشان باشند. بیرون برای آنان، شرق و غرب معنی ندارد، آنچه مهم است، غیرت و جهان و موفقه های آن بر اساس تفسیر خود خواسته این سازمان های تروریستی است.

معین نبودن هدف بعدی تروریست ها از جمله دلایلی بود که وزیران کشور و خارجه کشورهای اروپایی را - هرچند دیر هنگام- برای بررسی ابعاد امنیتی انفجارهای لندن و پیامدهای آن، دو یک میز نشاند.

نکته پنجم: انفجارهای این طرح های خاورمیانه بزرگ باید مدت مشاهده نتایج طرح های همچون خاورمیانه بزرگ باید مدت زمانی طولانی را به انتظار نشست، چرا که در کوتاه مدت، انتظار پدیدار شدن نتایج آن امری محال و غیر قابل تصور به نظر می رسد.

بسیاری از تئوری پردازان غربی امیدوار بودند با آغاز اجرائی این طرح بتوانند با رفتارهای به اصطلاح برخطر اشاعه یافته در منطقه خاورمیانه مقابله کنند. در حالی که با اجرائی آن طرح و پیروزی گروه های تروریستی، امروز نظر در سایر کشورهای منطقه و حتی خارج از آن، امریکا کنترل و با حداقل پیش بینی اقدامات آتی این گروه ها، به امری غیر ممکن تبدیل شده است.

انفجارهای اخیر لندن گواهی می دهد که اگر چه از مدت ها قبل، پیش بینی بسیاری از کارشناسان امنیتی غرب حاکی از فعالیت گروه های تروریستی برای تدارک حمله جدیدی بود، اما به همین دلیل هیچ کدام نتوانستند حمله احتمالی و حرکت های آتی این گروه ها را پیش بینی کنند.

نکته ششم: ضعف سوبولیت این انفجارها از سوی تروریست های تروریستی نشانه شده شاگرد شکتک طرح های کنونی مبارزه با تروریسم است، چرا که به نظر می رسد گروه های جدید با باطنی جوانی یا به عرصه وجود نکرده که راه دستیابی به جهانی بدون تروریست را در چشمان دشوار می کنند.

در رنج بندی این نکات باید گفت که مبارزه با تروریسم اگر چه هم اکنون مورد اجماع عمومی از کشورهای مختلف است ولی باید به دنبال راهکارهای نوین و شیوه های مناسب برخورد با این پدیده بود؛ راهکارهایی از پیگیری تا ترمان.

در حقیقت باید به فکر پیشگیری از وقوع این گونه رفتارها بود و در وهله دوم، به درمان قطعی آن فکر کرد.

کاهش محبوبیت بن لادن



استفاده کنندگان از این روشها همراه می شوند

۷۲ درصد پاسخگویان در کشور مراکش گفته اند که این هیمن شکل ۵۲ درصد پاسخگویان در اسپانیا و ۲۷ درصد در فرانسه ۷۲ درصد در ایالات متحده و انگلیس ۶۱ درصد، در ۵۶ درصد در لهستان ۲۱ درصد بود است. همچنین براساس این نتایج، اکثر پاسخگویان گفته اند که طرفداران دموکراسی در کشورهای اسلامی بخشهای کارگری مشغول به فعالیت هستند. جامعه مسلمانان معتقد هستند که این مهاجرین مسلمان عمده تر نیروی کار بازارهای هستند. بعد از ویرایشی جنگ جهانی دوم به حساب دریاخ به این پرسش که دلیل اصلی

یک بررسی که در ۱۶ کشور جهان صورت گرفته است، نشان می دهد محبوبیت اسامه بن لادن در بیشتر کشورهای اسلامی در حال کاهش است. این پژوهش همچنین بیان می کند که غالب پرسش شونده گان در جهان اسلام عملیات تروریستی علیه شهروندان کشورهای غربی را یک «بند اشتباه» تلقی می کنند. در عین حال این بررسی می تأکید می کند که بیشتر ملل اسلامی همچون به ایالات متحده امریکا، یهودیت و جهان مسیحیت نگاه منفی دارند. همچنین این تحقیق که توسط یکسازد از بخشهای تخصصی امریکایی مرکز پژوهش های پیو، در امریکا انجام گرفته و در روزنامه هارالد تریبون، و چند نشریه اروپایی و عربی منتشر شده است اذعان می دارد تعداد افرادی که در نظرشان بن لادن در مورد تهاجم عملیات تروریستی تروریستها از آن مانند تهاجم مراکش، اندونزی و لبنان کاهش چشمگیری پیدا کرده اما در ایالات و پاکستان نیز صعودی داشته است. این مطالعه در ماه های آوریل و ژوئن گذشته (قبل از انفجارهای شهر لندن) صورت گرفته و تروریست های تروریست، بن لادن، امریکا، اندونزی، پاکستان، لبنان، هند، امریکا، کانادا و هفت کشور اروپایی شامل آلمان، هلند، فرانسه، روسیه، لهستان، اسپانیا و بریتانیا می شود.

بر طبق نتایج این تحقیق همچنین سازمان القاعده در کشور اندونزی از ۵۵ درصد در سال

۲۰۰۳ در ۲۵ درصد در سال ۲۰۰۵، در مراکش ۴۹ درصد به ۲۶ درصد در ترکیه از ۱۵ درصد به ۷ درصد و در لبنان از ۱۴ درصد به ۲ درصد کاهش یافته است. اما در دو کشور اندونزی و پاکستان به ترتیب از ۵۵ درصد به ۶۰ درصد و ۵۱ درصد به ۵۸ درصد افزایش یافته است. سازمان خفونت طلب وی اف ای این است. در میان این ۷۹ درصد شهروندان مراکشی گفته اند که به شدت با انجام عملیات انتحاری به نام اسلام مخالف هستند. این رقم در نظر تفسیرتی سال ۲۰۰۲، ۲۸ درصد بود. در ۲۰۰۲، ۲۸ درصد از یک طرفت حاصل شده در این فاصله بالاترین درصد مخالفت با این انجام گرفته و در روزنامه هارالد تریبون، و چند نشریه اروپایی و عربی منتشر شده است اذعان می دارد تعداد افرادی که در نظرشان بن لادن در مورد تهاجم عملیات تروریستی تروریستها از آن مانند تهاجم مراکش، اندونزی و لبنان کاهش چشمگیری پیدا کرده اما در ایالات و پاکستان نیز صعودی داشته است. این مطالعه در ماه های آوریل و ژوئن گذشته (قبل از انفجارهای شهر لندن) صورت گرفته و تروریست های تروریست، بن لادن، امریکا، اندونزی، پاکستان، لبنان، هند، امریکا، کانادا و هفت کشور اروپایی شامل آلمان، هلند، فرانسه، روسیه، لهستان، اسپانیا و بریتانیا می شود.

بر طبق نتایج این تحقیق همچنین سازمان القاعده در کشور اندونزی از ۵۵ درصد در سال